

چرا در ادبیات ما « آتش » و « عشق » اغلب کنار هم قرار دارند؟

مهدی سیاح زاده

آتش عشق است که اندر می فتاد

جوشش عشق است که اندر می فتاد

۱۰/۱

در اغلب اشعار و نوشته های عارفانه و عاشقانه، عشق

و آتش دو واژه ی همراه هستند. گویی همزاد هم اند. فقط

چند نمونه از حافظ و مولوی و دیگران را اینجا می آوریم:

مرا عاشق چنان باید که هر باری که برخیزد

قیامت های پر آتش ز هر سویی برافروزد

\*

ما آتش عشقیم که در موم رسیدیم

چون شمع به پروانه ی مظلوم رسیدیم

مولوی

در ازل پرتو حسنت به تجلی دم زد

عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد

حافظ

ز آن شعله که از روی بتان، حسن تو افروخت

جان همه مشتاقان در سوز و گداز است

فخرالدین عراقی

عشق آتش بود و خانه خرابی دارد

پیش آتش دل شمع و پر پروانه یکی است

عماد خراسانی

می بینید، در همه ی این ابیات، این پدیده ی عشق است که وقتی ظاهر می شود، آتش می زند. در واقع عشق پدید آورنده ی آتش تلقی شده است. چه چیزی سبب این همراهی و همزادی عشق و آتش است؟

صرفنظر از این که آتش گرمی بخش و سوزنده است و عشق هم، چنین خاصیتی دارد و تن و روان عاشق را گرم و سوزان می کند و همین وجه تشابه ممکن است سبب پیوستگی آن ها شده باشد، به گمان ما چند علت دیگر نیز می تواند این پیوستگی عشق و آتش را ممکن کرده باشد:

۱ - اولین علت در همراهی دو مفهوم عشق و آتش، شاید حالت بیقراری آتش باشد. شعله های بی قرار آتش، نشانه ی حرکت است. نشانه ی پویایی. همانگونه که عاشق،

هم بیقرار است و هم پویا، آتش هم مانند عاشق قرار و آرام ندارد و مدام «پیچان» است. مولوی در همین زمینه می گوید:

پیش حق آتش همیشه در قیام

همچو عاشق روز و شب پیچان مُدام

۸۳۹/۱

۲ - دومین علت می تواند این باشد که عشق و آتش دو پدیده ای هستند که روی به آسمان دارند. بیشتر توضیح دادیم که در گذشته اعتقاد داشتند که زمین از چهار عنصر خاک و آب و هوا (باد) و آتش تشکیل شده است. زمین را به پیازی تشبیه می کردند که چهار لایه دارد و می گفتند: لایه ی درونی زمین از خاک تشکیل شده، لایه ی دوم از آب، لایه ی سوم از هوا و آخرین لایه که به آسمان می رسد از آتش تشکیل شده است. از آنجایی که تصور می کردند (و امروزه هم شاید تصور شود) که بارگاه خدا و بهشت در آسمان است، پس ظاهراً گمان می شد که این تنها پدیده ی مادی، یعنی آتش، که مرز زمین و بهشت و بارگاه خدا است، می تواند واسطه ی جهان ماده و «عالم بالا» باشد. به این سبب آتش مقدس فرض می شد و از سوی دیگر، از آنجایی که مفهوم

عشق نیز چنین ویژگی ای دارد، یعنی عشق یک پدیده ی روحانی است که در وجود یک پدیده ی مادی (انسان) نشسته و می تواند واسطه و مرز جهان مینوی و جهان ماده باشد، به نظر می رسد که وجه تشابه این دو پدیده، سبب پیوستگی آن دو باهم شده باشد.

۳- سومین علت شاید در این نکته نهفته باشد که می دیدند آتش تنها عنصری در طبیعت است که ماده ی سخت را تبدیل به یک پدیده ی اثری، ناپیدا و فرم ناپذیر، یعنی شبیه روح می کند. شاید گمان می کردند، آتش ماده را به روح مبدل می کند. از آنجایی که عشق را نیز یک پدیده ی روحانی می شمردند که عارض یک وجود ظاهراً زمینی و مادی مثل انسان می شود و او را سراسر عواطف و احساس روحانی می کند، به نظر می رسد این وجه تشابه، سبب پیوستگی دو پدیده ی آتش و عشق شده باشد.

۴- و سرانجام شاید مهم ترین علت همزادی آتش و عشق در این نکته نهفته باشد که آتش خاصیت نابود کردن ناخالصی ها را دارد. می دانید که وقتی می خواهند طلا را ناب و خالص کنند، در آتش می گدازند. آتش ناخالصی های

آن را می سوزاند و زر ناب به دست می آید. زر ناب در عرفان و ادبیات ما اغلب به خلوص و معنویت ناب گرفته می شود و برای نمونه فقط یک مورد از غزلیات شمس را این جا می آوریم:

چه خوش است زرّ خالص، چو به آتش اندر آید  
چو کند درون آتش هنر و گهر نمایی  
مگریز ای برادر، تو ز شعله های آذر  
ز برای امتحان را چه شود اگر در آیی  
به خدا ترانسوزد، رخ تو چو زر فروزد  
که خلیل زاده ای تو، ز قدیم آشنایی  
کلیات شمس ۳۰۱۷۵/۶

می دانید که حضرت ابراهیم خلیل الله (ع) وقتی بت های قوم خود را شکست، به دستور، «نمرود»، فرمانروای وقت بابل در آتش افکنده شد، ولی آتش به فرمان خدا بر او سرد شد و پس از چندی با شگفتی دیده شد که ابراهیم صحیح و سالم از درون آتش بیرون آمد. در واقع این داستان سمبلیک می خواهد بگوید که چون ابراهیم زر خالص و ناب بوده و هیچ ناخالصی نداشته، آتش نتوانسته بر او اثر کند. چرا؟ برای

چرا در ادبیات ما آتش و عشق اغلب کنار هم قرار دارند

وب سایت مهدی سیاح زاده [www.sayahzadeh.com](http://www.sayahzadeh.com)

---

این که عشق او به خدا، عشق ناب و خالص بوده است. پس  
برای محک زدن عشق، انسان باید در آتش برود. عشق آتشین  
عشقی است که ناخالصی در آن وجود ندارد.

\*\*\*

چرا در ادبیات ما آتش و عشق اغلب کنار هم قرار دارند  
وب سایت مهدی سیاح زاده [www.sayahzadeh.com](http://www.sayahzadeh.com)

---